اکران

رئیس سازمان سینمایی:

سینمای ایران در مقابل سینمای هالیوود ایستاده

گروه ادب و هنر: رئیس سازمان سینمایی دیروز به محل موسسه رسانه‌های تصویری رفت تا از ۳۰ فیلم دفاع مقدسی در قالب یک بسته رونمایی کند. حجت‌الله ایوبی در همین مراسم از پیشنهاد سازمان سینمایی برای نامگذاری دهه‌ای به نام دهه راویان فتح از ۲۱ تا ۳۱ شهریور خبر داد. ایوبی از عزم سازمان سینمایی برای تولید فیلم‌های دفاع مقدسی خبر داد و گفت: «این طور نیست که تصور کنیم دنیا فقط نوعی از فیلم‌ها را می‌پسندد. تنها به عنوان یک نمونه باید بگویم سال‌ها قبل و در زمان مسئولیت من در فرانسه فیلم ارتفاع پست نشان داده شد که با اینکه کسی فکرش را نمی‌کرد، این فیلم پرمخاطب‌ترین فیلم هفته فیلم ایران در این کشور شد.» او سینمای ایران را سینمای مقاومت خواند و گفت: «سینمای دنیا را آمریکایی‌ها گرفته‌اند اما سینمای ایران با یک ادبیات و بیان متفاوت در مقابل سینمای هالیوود ایستاده است و به همین دلیل باید سینمای ایران را سینمای مقاومت دانست.» حاشیه‌های مراسم رونمایی از ۳۰ فیلم دفاع مقدسی مجال دوباره‌ای برای خبرنگاران فراهم آورد تا بتوانند برخی از پرسش‌های خودشان درباره سینمای ایران را از رئیس سازمان سینمایی بپرسند. در حاشیه همین مراسم بود که حجت‌الله ایوبی در پاسخ به پرسشی درباره تولید مشترک سینمایی با کشورهای دیگر توضیح داد و گفت: «در حال حاضر سه فیلم هستند که به شکل مشترک تولید شده یا خواهند شد؛ فیلم «جنجال در عروسی» با مشارکت یک کشور اروپایی در بخش خصوصی در حال فیلمبرداری است و همچنین اخیرا یک فیلم با همکاری کشور اوکراین در حال آغاز است. ضمن آنکه هلند نیز برای تولید مشترک اعلام آمادگی کرده است، به طور کلی باید بگویم ما آرام آرام در حال آماده کردن مقدمات تولیدات مشترک هستیم.» ایوبی بار دیگر بر این نکته تاکید کرد که تولید فیلم‌های دفاع مقدسی نیازمند هزینه‌های زیاد است و همکاری نهادها و سازمان‌های دیگر را می‌طلبد. وی گفت: «تولید فیلم‌های قابل توجه و با کیفیت در حوزه سینمای دفاع مقدس به تنهایی توسط یک سازمان امکان‌پذیر نیست چرا که این فیلم‌ها بسیار پرهزینه هستند.» ایوبی درباره آخرین وضعیت «مدرسه عالی سینما» نیز گفت: «اغلب کارهای مقدماتی تاسیس و راه‌اندازی این مدرسه مانند تصویب آیین‌نامه، اساسنامه و... انجام شده و مدیر آن نیز به زودی معرفی خواهد شد.»

درد دل‌های غیررسمی

خودت را سازگار کن

پائولو کوئیلیو

یک قانون طلایی وجود دارد؛ حرص نزنید! جلوی تغییر را نمی‌شود گرفت. ما انسان‌ها به خاطر ظرفیت سازگار کردن خود اینجا هستیم. ما جنگ را نباخته‌ایم، بلکه دقیقا برعکس است؛ برنده شده‌ایم. فرهنگ اکنون در سرتاسر جهان قابل دسترس است. مردم می‌توانند بخوانند. تغییر را در آغوش بگیرید و قیمت کتاب‌های دیجیتالی را کاهش دهید. سیستم باور کرده است که تمام ناشران تقلبی صادقانه عمل نمی‌کنند. آنها برای دسترسی به فرهنگ دچار مشکل هستند. من اینجا نیستم تا از چاپ غیرقانونی کتاب‌ها دفاع کنم، اما اگر شما سیستم قیمت‌گذاری کتاب‌ها را تغییر دهید به راه‌حل این مشکل خواهید رسید. افزایش روزبه‌روز صداها در عرصه کتاب که از طریق اینترنت رشد پیدا کرده، کشف آثار بزرگ ادبی را مشکل کرده است. از آنجا که هر کسی صدایی دارد، سروصدای زیادی ایجاد می‌شود و وقتی چنین شرایطی پیش می‌آید، هیچ کس به کس دیگر گوش نمی‌دهد. یا خودت را سازگار کن یا بمیر؛ ما نمی‌توانیم جلو گذر زمان را بگیریم.

پی‌نوشت: سخنان «پائولو کوئیلیو» نویسنده برزیلی کتاب‌های پرفروش در نشستی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت

نشست

رحمت امینی سیاست‌های بیست و سومین دوره جشنواره تئاتر ماه را تشریح کرد

جشنواره‌ای تولیدمحور

گروه ادب و هنر: جشنواره تئاتر ماه را امسال کسانی داوری می‌کنند که در دوره‌های قبلی این جشنواره به‌عنوان برگزیده معرفی شده‌اند. رحمت امینی دبیر بیست و سومین جشنواره تئاتر سوره ماه دیروز در نشست رسانه‌ای با اعلام این خبر سیاست‌های این دوره از جشنواره را برای اهالی رسانه تشریح کرد. امینی که برای سومین بار متوالی دبیری این جشنواره را به عهده دارد، در مورد اهداف و رویکردهای جشنواره تئاتر سوره ماه گفت: «با گذشت سه سال از حضور من در حوزه هنری، نوعی هدفگذاری برای جشنواره تئاتر «سوره ماه» انجام شده که برای آن از بهترین هنرمندان و دانشگاهیان و نخبگان کمک گرفته‌ام.» امینی از محمدباقر قهرمانی، محمود عزیزی و حسین فرخی به‌عنوان اعضای شورای فکری مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری نام برد و تاکید کرد: «هدف ما از همان آغاز، جشنواره‌ای تولیدمحور بود. یعنی منتخبی از تولیدات و اجراهای عمومی حوزه هنری در استان‌ها به جشنواره راه پیدا کنند. این نمایش‌ها ابتدا برای اجرای عمومی در تهران و استان‌ها آماده شده و بعد برای جشنواره آماده شده‌اند. ما برای این تولیدات محورهای حوزه هنری را در نظر گرفتیم و آنها شاخه‌های تئاتر دینی، انقلابی، دفاع مقدس و البته تئاتر اجتماعی مبتنی بر سبک زندگی هستند.» دبیر جشنواره تئاتر ماه در پاسخ به این پرسش که آیا بخش خیابانی هم امسال در جشنواره حضور دارد، گفت: «در مدت سه سالی که در حوزه بودم تئاتر خیابانی به دلیل ضعیف و تکراری بودن در اجرا در جدول تئاتر جشنواره حضور نداشت، اما با تشکیل دفتر تئاتر کاربردی امسال بعد از دو دوره، منتخبی از نمونه‌های مطلوبش با مسئولیت امیرحسین شفیعی در جشنواره حضور دارند.» امینی در مورد بخش جدیدی که به جشنواره امسال اضافه شده است توضیح داد و اظهار امیدواری کرد که «این بخش که تجربه‌های جوان نام دارد، رویکردش بیشتر به سن و سال و شهرستان‌ها باشد.» به گفته امینی داوری این بخش را کیوان صباغ، محمدرضا آزاد و فرهاد ارشاد برعهده دارند که در سال‌های گذشته برندگان جشنواره بودند. به گزارش فرهیختگان در جشنواره تئاتر سوره ماه که از ۲۲ تا ۲۸ مهرماه برگزار می‌شود ۱۳ نمایش برگزیده جشنواره‌های منطقه‌ای، چهار نمایش در بخش تجربه‌های جوان از شهرستان و یک نمایش در این بخش از تهران، پنج نمایش از مرکز هنرهای نمایشی تهران و دو نمایش از دفتر بچه‌های مسجد در جشنواره تئاتر «سوره ماه» حضور دارند. همچنین در بخش خیابانی پنج نمایش از شهرستان و دو نمایش از تهران به اجرا خواهند رسید و در مجموع جشنواره امسال میزبان ۳۲ نمایش و ۲۰۰ هنرمند خواهد بود. سال‌های گذشته بخش تئاتر کودک و نوجوان با فاصله اندکی از جشنواره برگزار می‌شد، ولی امسال این بخش در دی ماه با دبیری حسن دولت‌آبادی به شکل مستقل برگزار می‌شود. این استاد دانشگاه در بخشی دیگر از سخنانش از مشکلات فراروی دانشجویان تئاتر گفت: «امروز دانشجویان و علاقه‌مندانی که به سمت تئاتر آمده‌اند ۱۰ برابر شده‌اند و این آمار خیلی وحشتناکی است، من اعلام می‌کنم که این اتفاق زنگ خطری برای تئاتر ماست چرا که امکانات تئاتری ما حتی دو برابر هم نشده است، تالار مولوی یک سال است که ویران است، تئاتر شهر هم در حال بازسازی است و مشخص نیست چه زمانی دوباره فعالیتش آغاز شود.»

بیستم مهر ماه روزی برای یادروز حافظ

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه

روزهای پاییزی که می‌گذرد و توی همان مهرماه که تازه برگ‌های درخت‌ها می‌خواهند بریزند، دوستان حافظ دور هم جمع می‌شوند. شیراز می‌شود محل رفت و آمد دوستداران حافظ و خواندن و تحلیل شعرها و اندیشه‌های او شکل دیگری به خود می‌گیرد. ۲۰ مهر یادروز حافظ است و این روز همه دوستدارانش را دور هم جمع می‌کند تا یک بار دیگر شگفتی‌های بیت به بیت شعرهای او را به تماشا بنشینند یا به قول خودش، زیارتگه رندان جهان می‌شود همان محوطه‌ای که دل را با خودش می‌برد. «بر سر تربت ما چون گذری همت خواه». همین همت دوستداران اوست که امسال نیز چونان سال‌های گذشته این زیارتگه رندان را محفلی برای عشاق او کرده است. روز پنجشنبه برنامه‌ای در یادبود حافظ در شیراز برگزار شد که در این مراسم منصور پایمرد رئیس انجمن دوستداران حافظ و استاد برجسته حافظ‌شناسی، همچنین منیژه عبدالهی، سخنرانی کردند. آنچه در زیر می‌آید چکیده‌ای از سخنرانی آنها در یادواره حافظ در دیار این شاعر است.

عکس: رضا حسینی/ فرهیختگان

نمادهای عارفانه شعر حافظ

منصور پایمرد*

تصوف و عرفان اسلامی را می‌توان به‌طور کلی به دو گروه تقسیم کرد:

الف) اهل صحو ب) اهل سکر

اصحاب صحو را پیروان تصوف بغداد و تابعان جنید بغدادی می‌دانند، و اهل سکر را برخاسته از خراسان بزرگ، و سردمداران آن را بایزید بسطامی و ابوسعید ابوالخیر و...

اصحاب صحو برای بیان تجربه‌های باطنی خود از الفاظی استفاده می‌کردند که غالبا برگرفته از قرآن مجید بود و بار نمادین نداشت، مثل ازل، ابد، مقام، تجلی... اما اصحاب سکر از همان تعابیری سود بردند که پیش از آن شاعران عاشقانه‌گو برای بیان منویات عاشقانه خویش آنها را به کار برده بودند مثل، شراب، میخانه، عشق، محبوب و... با این تفاوت که در کالبد این الفاظ روح معنوی و عرفانی دمیده شد و این کلمات به رمزها و نمادهایی تبدیل شد که عارفان از آنها برای بیان دستاوردهای باطنی و اشراقی خویش سود می‌بردند. البته از تاثیر ملامتیه، در روند شکل‌گیری تصوف عاشقانه نباید غافل شد. در حقیقت این نهضت اجتماعی ملامتی که در قرن سوم از نیشابور سربلند کرد چیزی نمی‌گذرد که اثر خود را در ادبیات صوفیانه به نحو بارزی آشکار ساخت. نمادهای عارفانه در شعر شاعرانی مثل عطار، عراقی و مولوی با اطلاعاتی که خوانندگان از زندگی آنها دارند منجر به آن می‌شود که صرفا شعر آنها را معنی عرفانی و معنوی کنند، همانگونه که خوانندگان در رویارویی با شعر شاعرانه گویی چون رودکی، فرخی، منوچهری و... برای واژگانی چون شراب، یار و میکده هیچ‌گاه بار عرفانی قائل نبودند، زیرا اطلاعات بیرون متنی به خواننده می‌گوید که آنها عارف نبوده‌اند. اما در شعر حافظ، به سبب آنکه درباره نحوه زندگی او اطلاعات موثقی در دست نیست و کسی نمی‌تواند به قطع و یقین و با دلایل کافی بر عارف بودن یا نبودن او حکم دهد و بین حافظ‌پژوهان در این باره و در مورد شعر او اختلاف نظر وجود دارد، بنابراین در بسیاری موارد الفاظی چون شراب، میخانه، ساقی، یار و عشق که در شعر او به کار رفته‌اند نمی‌توان حکم بر عرفانی بودن یا نبودن آنها داد و مفسر با توجه به دیدگاهش، در اینجا یکی از وجوه این نمادها را وا می‌نهد. یا آن را عارفانه معنی می‌کند یا وجه عرفانی را رها می‌کند و تنها معنای حقیقی‌اش را در نظر می‌گیرد، در حالی که حافظ این نمادها را با هردو وجه معنایی به کار برده و از آنها «جمع نقیضین» ساخته است. و این موضوع را باید در کنار ایهام‌آفرینی و ویژگی بیان نقیضی خواجه قرار داد. به همین سبب همه این خصایص دست به دست هم داده‌اند تا خصیصه شعر حافظ و سبک شخصی او پارادوکسی باشد و می‌دانیم هر بیان متناقض‌نما معناگریز است. به همین دلیل بسیاری از اشعار خواجه تن به معنا نمی‌دهند و این همه شرح که بر شعر او نوشته شده و می‌شود از همین خصیصه متناقض‌نمایی نمادهای عارفانه و بیان پارادوکسی او سرچشمه می‌گیرد.

*رئیس انجمن دوستداران حافظ و استاد برجسته حافظ‌شناسی

بررسی کهن‌الگوها در شعر حافظ

منیژه عبدالهی
دانشیار دانشگاه شیراز

براساس مکتب روان‌کاوی کارل گوستاو یونگ، بخش ناخودآگاه روان هر انسان حامل دو بخش است؛ ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی. در ناخودآگاه فردی مضامین دوران کودکی و شخصی قرار دارد و در ناخودآگاه جمعی مضامین بازمانده از حیات اجدادی. ناخودآگاه جمعی در واقع نتیجه رسوبات و تجربیات قرون و اعصار گذشته بشر است. از سوی دیگر کهن‌الگوها که بخشی از اسطوره‌ها هستند در قدیمی‌ترین شواهد تاریخی و جوامع بشری وجود داشته‌اند و برای بیان حقایق جاودانگی به کار گرفته می‌شده‌اند. در یکی از تعریف‌ها کهن‌الگوها را نمادهای جهانی تعریف کرده‌اند و هر کدام را نمونه اولیه‌ای دانسته‌اند که بر مبنای آن رفتارهای انسانی پدید می‌آید یا تقلید می‌شود. در این صورت این مفهوم با مفهوم مثل افلاطونی بسیار نزدیک می‌شود. به دیگر سخن کهن‌الگوها، کلیشه‌هایی هستند که همواره تکرار می‌شوند. بر این اساس نقد کهن‌الگویی، به دنبال انطباق برخی جلوه‌های یک اثر ادبی با قالب‌ها و الگوهای اولیه است. در فرهنگ ما فارسی‌زبان‌ها بهترین تجلی‌گاه این کهن‌الگوها عرصه هنر و شعر است. هنرمندان بزرگ، شاعران قدرتمند هم‌چون سعدی، حافظ و خیام، آنها که می‌توانند با تمام مخاطبان خود از گروه‌های مختلف اجتماعی رابطه برقرار کنند، همان‌ها هستند که به گنجینه این کهن‌الگوها دست یافته‌اند و با ابراز و آشکارسازی آنها از اعماق ناخودآگاه جمعی به سطح خودآگاهی، مخاطبان و خوانندگان را به اعماق فرهنگ و بن‌مایه‌های تفکر و ریشه‌های تاریخی خود، راهنمون می‌شوند. (گفتنی است راز اینکه با دیوان حافظ فال می‌زنیم و گذشته و آینده و حال خود را در آیینه اشعار او می‌جوییم، همین مطلب است. زیرا او به ریشه‌های نهان ناخودآگاه جمعی ما دست یافته و همان‌ها را به ما نشان می‌دهد، یا به عبارتی خودمان را به خودمان نشان می‌دهد).

در شعر حافظ چهار کهن‌الگوی عمده حضوری فعال دارند که دو به دو متقابل و متضاد و در عین حال تکمیل کننده یکدیگر هستند. به دیگر سخن کهن‌الگوی زئوس، (پادشاه المپ و رب‌النوع فرمانده آسمان و زمین در اساطیر یونان) نمادخرد وعقل و حافظ سنت و قانون است که در تقابل با پوسیدون (رب‌النوع و خدای دریاها وتوفان) و نماد طغیانگری و احساسات سرکش و غرایز قرار می‌گیرد. همچنین کهن‌الگوی هادس (فرمانروای جهان زیرین و مرگ در اساطیر یونان) که نماد ژرفای درون و انزوای عارفانه است در تقابل با دیونیزوس (رب‌النوع شور، شادی، سرمستی و سرخوشی دراساطیر یونان) و نمودگار شوق و شور عارفانه و مستی و شعف حاصل از وصال عرفانی قرار می‌گیرد. و این زوج اخیر می‌تواند به‌عنوان کهن‌الگویی برای نشان دادن بسط و قبض عرفانی که در متون عرفانی فارسی و اشعار شاعران عارف‌مسلک تجلی یافته، به کار رود.

در شعر حافظ کهن‌الگوی خرد که حافظ سنت و قوانین است (زئوس) در شکل‌های کلی نصیحت‌گر، ملامت‌گر، زاهدخودبین، واعظ شهر، و شیخ، امام شهر، فقیه شهر و سرانجام محتسب جلوه می‌کند. این گروه که خود را نماینده نهادهای قانون می‌دانند و در شعر حافظ خود از قانون‌شکنان عمده به شمار می‌روند، همواره عصیان و طغیانگری شاعر را بر می‌انگیزند و از سرباز زدن و امتناع ملایم (برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گو/ شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد؟) تا حمله‌های تیز (صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد...) را در بر می‌گیرد. و در عرصه کهن‌الگوی پوسیدونی جایی که احساسات و طغیانگری علیه هر آنچه رسمی و مکتبی است مجال ظهور می‌یابد، حافظ حرف‌های گفتنی دارد؛ چنان طغیان می‌کند که «چرخ بر هم زنم ار غیر مرادم خواهد» و در پی ایجاد جهانی جدید است «عالمی از نو بباید ساخت و ز نو آدمی» و البته از درس و مدرسه که نماد سنت حاکم است و تمام لوازم آن قیل‌وقال مدرسه و کتاب و دفتر و بحث کشف و کشاف ملول و بی‌زار است و عشق پرخروش و توفانی را تجربه می‌کند.

در گروه دوم که هادس رب‌النوع مرگ و فرمانده جهان زیرین قرار دارد، محل تجلی انزوای عارفانه و عرصه تفکر و اندیشه‌ورزی و سفر معنوی به اعماق است که با عزلت‌گزینی و ترجیح کنج عافیت بر گنج زر همراه است که:

«خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است
چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است»

و در برابر آن دیونیزوس سرمست از شور زندگی و شیره حیات و سرخوش از هستی است و فریاد می‌دارد: «دمی با غم به سربردن جهان یکسر نمی‌ارزد» و این سرخوشی و جوانی دایمی چنان است که حتی در لحظه مرگ و نزعات موت نیز همین که خبر از مژده وصل می‌شنود جان می‌گیرد و پیرانه‌سر شاد و جوان برمی‌خیزد (شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب / باز به پیرانه‌سر عاشق و دیوانه شد) و چنان شیفته عشق و اطوار عاشقانه است که حاضر می‌شود در برابر بندگی عشق از خواجگی کون و جهان برخیزد به ولای تو که گر بنده خویشم‌خوانی/ از سر خواجگی کون و مکان برخیزم).

داستان یک، داستان دو

دقت‌هایی در رمان گهواره مردگان

همه‌چیز در متن هست

میلاد ظریف

رمان «گهواره مردگان» کتابی است با روایت به‌شدت کنایی. کنایه نوعی وانمود است. قالبی است که اظهار وانمودی را جایگزین اظهار واقعی می‌کند. در روایت این رمان ما با چهار راوی طرف هستیم: روایت دو برادر که زندگی سخت و مشقت‌باری را در روستا داشته‌اند و از دست قضا سرنوشت آنها را به جنگ می‌کشاند. یک روایت مربوط به نویسنده‌ای است که از دست قضا سرنوشت زندگی او را با زندگی دو برادر که از جنگ فرار کرده‌اند پیوند می‌زند. یک روایت هم مربوط به فرمانده جنگی است که از دست قضا، فرمانده دو برادر بوده و از سوی دیگر کسی است که نویسنده از دست شکایات او متواری شده چون ادعا می‌کرده کتاب‌های نویسنده دجور را لو می‌دهد و زندگی‌اش را افشا می‌کند. پس ما با متنی روبه‌رو هستیم که به‌شدت دچار روایتی غیرموثق است. متنی که هر قسمتش را راوی‌ای روایت می‌کند. «روایت‌مندی» رمان گهواره مردگان را می‌توان دارای سطح بسیار بالای «توانش روایی» داستانی دانست که در سطح‌های مختلف باعث برانگیختن خواننده از ویژگی‌های زبانی هر زنجیره (هر چهار روایت) یادآیندهای مناسب برای پردازش هر زنجیره و در آخر کلان انگاره‌ای برساخته از خوانش زنجیره‌های پیشین می‌شود و این مهم باعث جلوه‌ای داستانی و در عین حال معمایی به زنجیره‌های کلامی می‌شود و به آگاهی خواننده به خوانش داستان در سطوح مختلف یاری می‌رساند. یادآیندهای تثبیت شده در رمان گهواره گربه دارای سرنوشت عجیبی هستند. از یک طرف دو راوی (دو برادر) و همچنین نویسنده سعی در اثبات و استوار نگهداشتن آن دارند و در آخر کلان‌انگاره‌ای برساخته از یادآیندهای مکتوب خودشان را عرضه می‌کنند و از طرف دیگر با شخصیتی روبه‌رو هستند که در زندگی هر سه‌شان نقش اساسی بازی می‌کند و زندگی و موفقیت و شهرت و آینده و یک کلام هستی‌اش بستگی به ایستادن در برابر یادآیندهای آن سه نفر دارد. از طرفی به خاطر گذشته‌اش در جنگ (آن مراسم قرعه‌کشی و ناجی‌بازی) به نوعی از حمایت همه‌جانبه رئیس‌پلیس و یک مدیر انتشارات برخوردار است. پس متنی که در ابتدا یک متن به‌شدت وابسته به تک‌گویی درونی شخصیت‌هایش بود و درام داشت از بطن همان سیر طبیعی روایت گذشته و حال (کودکی و بزرگسالی) سر و شکل پیدا می‌کرد به یک‌باره با سدی روبه‌رو شد که از طرف همان شخصیت چهارم (فرمانده سابق جنگ) در متن پدید می‌آید. آن هم افتادن رمان در یک ژانر دیگر؛ ژانر کارآگاهی. ژانر کارآگاهی به‌عنوان یک ابریادآیند در رمان گهواره مردگان نمایان می‌شود تا هم یادآیندهای داستان را دگرگون کند و هم با افزودن یادآیندهای جدید داستان را تغذیه کند. تعلیق فراگیری که رمان را در بر می‌گیرد به‌شدت متن را دگرگون می‌سازد و سرنوشت شخصیت‌ها را به هم پیوند می‌زند به‌طوری که گاه متن در «نقاط عاطفی و دراماتیک» که تنها بازمانده‌های یادآیندهای قسمت اول کتاب (قبل از وارد شدن فرمانده به مثابه نویسنده داستان) هستند، چنان اوج و حساسیتی پیدا می‌کند که روبرگرداندن از آن و انکار کردن آن و حتی خط بطلان کشیدن روی آن و رد کردنش کار عبث و بیهوده‌ای جلوه می‌کند. در چنین متنی تعلیق نه در توالی کنش یا ساختار کنش یا توالی روایی متن شکل می‌گیرد بلکه ساختار مضمونی اثر را دستخوش خودش قرار می‌دهد و متن را به تعریف جدیدی از تاریخچه خودش می‌رساند که نه شخصیت‌ها توان گفتنش را داشته‌اند و نه متن از لحاظ کنش داستانی مجال بازگویی تعاریف پنهان را داشته. پس بیراه نیست که در یادآیندهای جدید و قدیم رمان گهواره مردگان شخصیت‌ها در تقابل با یادآیندهای هم قرار می‌گیرند و نقش‌هایشان عوض می‌شود و تو گویی که انگار در پس این همه خرده‌داستان و ده‌ها روایت و ده‌ها شخصیت فقط یک داستان، یک روایت و یک شخصیت وجود دارد. این گونه است که داستان خود دستمایه داستان قرار می‌گیرد و روایت‌گری کنایی متن شکل می‌گیرد. افسر پلیس یا فرمانده سابق جنگ به ناچار برای برملا نشدن زندگی گذشته و آینده خودش دست به نوشتن داستان بزند؛ داستانی که به قول خودش از بزرگ‌ترین اتفاقی که برای کسی ممکن است بیفتد (خواندن) نوشته و اظهار وانمودی را جایگزین اظهار واقعی می‌سازد. از آنجا که کنایه در روایت‌گری این رمان نشان‌دهنده نگرش خاصی به خودِ روایت‌گری هست پس متن به سمت مرزبندی میان جهان داستان و جهان واقعی می‌رود. در چنین متن‌های کنایی که فقدان چند چیز مثل صداقت، اعتقاد راسخ، اصول نزد شخصیت‌ها (فرمانده) رنگ باخته و پنهان‌کاری که به دلایل واضح در متن مستتر است، حرف اصلی کتاب و داستان سرراست و ارتباطات پیدا و نهان و تمایلات و انگیزه‌ها و روحیات و کنش‌های مخفی و نامرئی کتاب را باید از دل همین وجه کنایی متن استخراج کرد. در واقع تفسیرهای آینده‌نگر بر جلوه‌های با ظاهر ناواقعی که به قول ندای درونی افسر، خواننده می‌تواند این ناله را در زیر آوار واژه‌های تحمیلی بشنود.

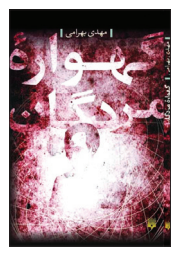

کارت دعوت

حافظ‌پژوهان در یک نشست

گروه ادب و هنر: برای آنها که می‌خواهند برنامه‌های حافظ در شیراز را دنبال کنند امروز روزی است که هجدهمین دوره مراسم یادروز حافظ در شیراز برگزار می‌شود. در این نشست مجید بهره‌ور درباره «سنت جواب‌گویی به شعر حافظ و رویکرد هرمنوتیک» سخنرانی می‌کند. دیگر سخنرانان این مراسم عبارتند از: علی رجایی «شرح یوهان کریستوف بورگل بر برگزیده‌ای از غزلیات حافظ به زبان آلمانی»، خدیجه حاجیان «بررسی و تحلیل شروح برخی تک‌بیت‌های جنجالی حافظ»، بهادر باقری «آسیب‌شناسی شرح‌های حافظ»، محمود عابدی «از خدای جهان تا خواجه جهان؛ نگاهی به یک غزل حافظ»، محمدیوسف نیری «چنین کنند بزرگان (نقدی بر «شرح شوق» سعید حمیدیان)» ابراهیم قیصری «سخن سربسته گفتن با حریفان (مشکلِ نوشتنِ شرح بر حافظ)» و منصور پایمرد «راز و رمز معناناپذیری شعر حافظ». همچنین در این مراسم از کتاب «مجموعه اشعار و مقالات ادبی» عبدالوهاب نورانی‌وصال، حافظ‌شناس نامدار و استاد فقید دانشگاه شیراز با سخنرانی عبدالعلی محقق‌زاده رونمایی می‌شود. این مراسم در کتابخانه ملی و مرکز اسناد فارس واقع در چهارراه حافظیه برگزار می‌شود.

خط داغ

مهر: «کریسمس مری فریگین» عنوان فیلم سینمایی است که قرار است با بازی رابین ویلیامز روز هفتم نوامبر برای اولین بار اکران شود. این فیلم که جوئل مک هال دیگر بازیگر آن است، فیلمی کمدی است که ویلیامز پیش از اقدام به خودکشی در روز ۱۱ آگوست امسال، بازی در آن را به پایان برده بود. کلارک دوک، اولیور پات، کاندین برگن و لورن گراهام دیگر بازیگران این فیلم هستند.

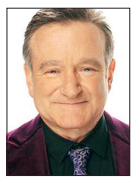

مهر: فیلم سینمایی «پاپ» به کارگردانی احسان عبدی‌پور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم سائوپولو به رقابت با دیگر آثار این جشنواره می‌پردازد. این جشنواره از تاریخ ۱۶ تا ۲۳ اکتبر (۲۴ مهر تا اول آبان ماه) در شهر سائوپولو برزیل برگزار می‌شود و یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی آمریکای لاتین است.

ایلنا: مقررات سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر در حالی منتشر شده که مسئولان جشنواره قصد دارند بخش سینمای ایران را از ۱۲ الی ۲۲ بهمن ۹۳ و بخش بین‌الملل را ۵ الی ۱۲ اردیبهشت ۹۴ برگزار کنند.

فرهیختگان: معاون امور هنری وزیر ارشاد از اجرایی شدن قول رئیس جمهور مبنی بر تخصیص بودجه جداگانه برای احیای ارکسترهای ملی و سمفونیک خبر داد و گفت: «حدود دو روز پس از جلسه با معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، اعتبار اولیه احیای ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی توسط آقای نوبخت ابلاغ شد که ما به سرعت برای دفتر طرح برنامه و بودجه فرستادیم تا کار به زودی آغاز شود.»

ایسنا: کارولین کیزر شاعر آمریکایی برنده پولیتزر در ۸۹ سالگی درگذشت. کارولین کیزر شاعر آمریکایی که سال ۱۹۸۵ موفق به کسب جایزه مهم پولیتزر شده بود، پس از درگیری با بیماری زوال عقل در ۸۹ سالگی از دنیا رفت.

فرهیختگان: علی نصیریان به جمع بازیگران سریال «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی پیوست. نصیریان پیش از این در سریال «میوه ممنوعه» با حسن فتحی همکاری داشت و «شهرزاد» تازه‌ترین همکاری این دو هنرمند خواهد بود. پیش از این حضور ترانه علیدوستی، شهاب حسینی، مصطفی زمانی، مهدی سلطانی و پریناز ایزدیار در این پروژه قطعی شده بود. پیش تولید این مجموعه ادامه دارد و طبق برنامه‌ریزی انجام شده تصویربرداری آن اواخر مهرماه آغاز می‌شود.

ایسنا: فهرست نامزدهای نهایی جایزه «سموئل جانسون»، مهم‌ترین جایزه ادبیات غیرداستانی انگلیس، تحت سلطه نویسندگان زن است. شش نویسنده به‌عنوان نامزد نهایی جایزه ۲۰ هزار پوندی ادبیات غیرداستانی «سموئل جانسون» معرفی شدند که از این میان چهار نفر از این نویسندگان زن هستند. این اتفاقی است که در تاریخ ۱۶ ساله برگزاری این جایزه مهم انگلیسی بی‌سابقه بوده است.

خبرچین

بیرون آمدن از زیر شنل رادی

گروه ادب و هنر: ۷۵ سال از تولد اکبر رادی می‌گذرد. نمایشنامه‌نویسی که محمد چرمشیر می‌گوید زود رفت. بنیاد رادی هر سال برنامه‌ای را در یادبود او برگزار می‌کند. امسال نیز ۱۸ مهرماه این مراسم در سالن کنفرانس تئاترشهر برگزار شد. در این مراسم از محمد چرمشیر، هادی مرزبان، صدرالدین شجره و علیرضا پارسی قدردانی شد. عطاءالله کوپال به‌عنوان مدیرعامل بنیاد رادی در این مراسم گفت: «در ایران بنیادی که به نام یک نویسنده تاسیس شده و گرفتار انشعاب، تعطیلی یا بسته شدن نشده باشد، تنها بنیاد اکبر رادی است. ما با شکیبایی پرچم این بنیاد را برافراشته نگه داشتیم.» محمد چرمشیر که در این مراسم تقدیر شد گفت: «من برخلاف همکارانم در این چند سال که فعالیت تئاتری می‌کنم، جایزه‌ای نگرفته‌ام و تنها یک مدال نوشین و این لوح را دارم که برایم بسیار مهم هستند. اکبر رادی خیلی زود از پیش ما رفت که اگر می‌بود، قطعا چیزهای زیادتری از او می‌آموختیم. باور دارم که نمایشنامه‌نویسی ایران از زیر شنل اکبر رادی بیرون آمده و ما همه به او مدیون هستیم.» هادی مرزبان نیز که لوح رادی را دریافت می‌کرد، گفت: «به همت دوستان و به کوری چشم دشمنان تا زمانی که باشم، آثار رادی را کار می‌کنم.»